

پیمان شانگهای می‌تواند برای کشور مزایا و ثمرات زیادی داشته باشد. در حقیقت این پیمان یک ظرفیت جغرافیایی است و مجموع جمعیت کشورهای عضو، بازار بسیار بزرگی را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر کشورهای عضو از نظر جغرافیایی بسیار به یکدیگر نزدیک هستند و همین موضوع، آنها را به سمت همگرایی برای یک کار مشترک می‌کشاند.



■ دکتر محمد خوش‌چهره
اقتصاددان

این پیمان همچنین ارتباطات، اتصالات و کریدور اقتصادی بین کشورهای ایجاد می‌کند که دارای ظرفیت‌های بزرگی همچون معادن و انرژی هستند. گستردگی معادن چین، روسیه و ایران که هر کدام در دنیا ممتاز هستند را نیز می‌توان یک پتانسیل بزرگ دانست که می‌تواند منافع مناسبی برای اعضا به همراه داشته باشد. پیمان شانگهای برای برخی کشورها به طور خاص برجسته‌تر است و در رأس آن سه کشور ایران، چین و روسیه قرار دارند.

بعنوان مثال چین توانسته با مزیت‌ها و تولیدات ارزان خود بازار امریکا و اروپا را بگیرد. ایران در حوزه انرژی، معادن و راه‌های ارتباطی و کریدورهای اقتصادی برتری دارد و روسیه هم با منابع انرژی اش، اروپا را به چالش کشیده است. کشورهای عضو این پیمان می‌توانند علاوه بر استفاده از فرصت‌های مشترک، با تهدیدهای مشترک هم مقابله کنند و مدیریت تهدید خود را بالاتر ببرند.

ما باید در پیمان شانگهای به دنبال بالفعل کردن تقاضای مؤثر باشیم. به اعتقاد من، استارت اول تولید، تقاضاست و بهترین تقاضا نیز همان تقاضای مؤثر است، پس اگر مدیریت هوشیار باشد، با تقاضای بالقوه هم می‌تواند این بازارها را راه بیندازد.

موضوع مهم‌تر این است که یک جریان اقتصادی ناعادلانه در جهان با ترکتازی دنیای سلطه و در رأس آن امریکا و اروپا وجود دارد. این کشورها ابزارهایی طراحی کرده‌اند که باعث شده بیش از ۱۰ سال سیطره اقتصادی قوی داشته باشند. نظام پولی جهان با سلطه دلار و نیز نهادهایی همچون بانک جهانی،

شانگهای بدون FATF

برخی چهره‌های سیاسی ادعا می‌کردند ایران نمی‌تواند بدون امضای FATF به سازمان‌های بزرگ شانگهای بپیوندد، اما در دولت سیزدهم این اتفاق افتاد و دروغ آنها آشکار شد!

صندوق بین‌المللی پول و... از دیگر ابزارها هستند که در کنار انحصار در رسانه و خبرگزاری‌های بزرگ و... نیز به این موضوع کمک کرده‌اند. اما برخی کشورهای عضو پیمان شانگهای هستند که این مناسبات را قبول ندارند و به یکجانبه بودن آن معترض هستند؛ بنابراین بهترین راهکار، این است که به سمت همکاری‌های منطقه‌ای بروند. این استدلال قابل دفاع است، چرا که در همگرایی‌ها قطعاً می‌توان بازارهای بادوام‌تری پیدا کرد و در مقابل سلطه اقتصادی جهانی، کشورها قدرت چانه‌زنی خود را بالا ببرند.

در پاسخ به این سؤال که گفته می‌شود برای رشد و توسعه اقتصادی و افزایش مبادلات تجاری، ما قطعاً باید FATF را بپذیریم، باید گفت که مطمئناً نظم دادن و شفاف‌سازی در چهارچوب منطقی برای ایران مفید است، ولی چیزی که غرب به دنبال آن است فراتر از ادبیات ساده‌ای است که به کار می‌برد. با توجه به شرایط جنگ اقتصادی و تحریمی که دنیای سلطه با

با توجه به شرایط جنگ اقتصادی و تحریمی که دنیای سلطه با ما دارد از FATF استفاده ابزاری و امنیتی می‌کند و به همین دلیل نیز باید هوشیار باشیم

ما دارد از FATF استفاده ابزاری و امنیتی می‌کند و به همین دلیل نیز باید هوشیار باشیم. فشارهایی که برای الحاق ما به این نهاد می‌آورند بیشتر امنیتی، اقتصادی و با این نیت است که تسلط بر جریان‌های جریان‌های مالی و مناسبات مالی در ایران صورت بگیرد. از سوی دیگر در حال حاضر بسیاری از کشورها عضو FATF نیستند، ولی در تجارت جهانی حضور دارند و بسیاری از کشورها نیز با هوشیاری به جای عضویت دائم، به دنبال عضویت ناظر هستند تا الزامات این نهاد شامل حالشان نشود.